

نقش علم در زندگی

یافتن تربیت صحیح محصول

امتزاج دو عامل است:

۱ - تزکیه نفس

۲ - علم و آگاهی

تزکیه باعث آزادی انسان از زنجیر

هواها و تمایلات نفسانی است. به

عبارت دیگر «انسان همان طور که از

نظر اجتماعی آزاد مرد است، یعنی زیر

بار ذلت نمی رود، زیر بار زندگی

نمی رود و آزادی خودش را در اجتماع

حفظ می کند، از نظر اخلاقی و معنویت

هم آزادی خود را حفظ کند، یعنی

وجدانش را آزاد نگاه دارد. عقل

خودش را آزاد نگاه دارد، این آزادی

همان تزکیه نفس است.»^۱ این عامل

عقل انسان را از اوهام و خرافات و

بندگانی که به روح محکم شده است،

رها می سازد. پیامبر هم که مأمور به

تزکیه شده، از جمله اهداف مهمش باز

کردن همین قیود و بندهای نامرئی

است.

قرآن درباره نقش انبیاء می فرماید:

و یضع عنهم اصرهم والاغلال التي

كانت علیهم.

پیامبر(ص) احکام پرریج و مشقتی

را که (از جهل و هوا) چون زنجیرهای

گران به گردن خود نهاده اند همه را

برمی دارد.

تربیت صحیح را اگر به معنی

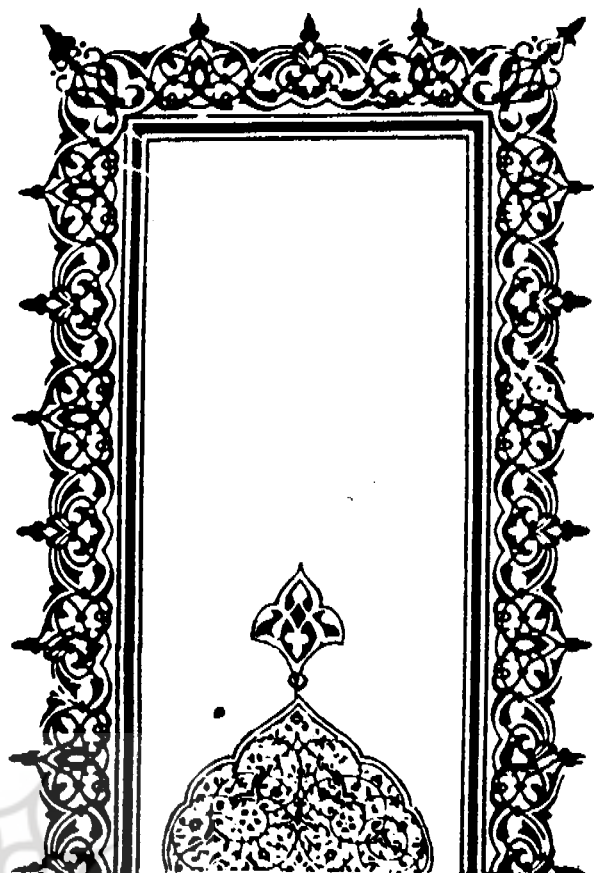
پرورش همه ابعاد آدمی تعریف کنیم

تنها با تزکیه تمام نمی شود، بلکه تزکیه

یک پایه بسیار اساسی است که اگر

این پایه در درون انسان شکل نگیرد و

کج بنا شود، هر تربیتی، انحرافی



تحقیق

تابستانی

گروه نشر گاه علوم و مطالعات فرهنگی
پرنال جامع علوم انسانی



فرهادناجدینی

هد بود. لذا علمی که به تعبیر امام، خانماسوز است، علمی است که قلب تزکیه نشده وارد شود. در این مرتبه این علم به شکل شمشیری تیز و ناف زنگی مست در خواهد آمد و در کننده است. ولی اگر قلب تزکیه شده باشد، آنگاه علم نه تنها خانماسوز خواهد بود، بلکه رشد دهنده است. بر این همه صحبت بر سر قلب تزکیه شده است والا علم نورا است و همچون ران است که در زمین شوره زار خس می روید و در گلستان، گل.

انبیاء که مبعوث به رسالت شده اند، نخست دعوت به تزکیه می کنند و بعد، به تعلیم کتاب و حکمت. اساساً انسان در هر بعدی از بعد. بخواهد تربیت شود، باید آگاهی نسبت به آن موضوع و طرق رسیدن به آن هدف را داشته باشد. تصور کنید، شخصی می خواهد روحیه عبادت و پرستش را در خود ایجاد کند، این فرد جدای از آنکه باید از روحیه سلامت برخوردار باشد یعنی اهل تصفیه درون و تزکیه نفس بوده باشد، می بایست دین را بشناسد، فروع آن را بداند، نماز را مثلاً صحیح بخواند، معنی اش را بفهمد، به واجبات نماز آگاه باشد، با مقدمات واجبات نماز آشنا باشد و... با صفای درون به تنهایی، انسان اهل عبادت نمی شود، یاد معارف در قلب با صفا رسوخ کند و ایندو با هم وقتی به عمل انجامید، شخصیتی از آدمی می سازد که شخصیت عابد است. و البته هر بعدی از ابعاد انسانی، نیاز به علم و آگاهی و تفکر جدی و دقیق در آن موضوع دارد و روشی که در قرآن مطرح شده است، اشاره به همین مطلب دارد. اگر رشد را «لیاقت و شایستگی برای نگهداری و

بهره برداری از امکانات و سرمایه هائی که در اختیار انسان قرار داده شده است.»^۲ معنی کنیم، «اول چیزی که لازم است مسئله شناخت است.» لذا مسئله شناخت و آگاهی در تربیت انسان و جامعه بسیار مسئله با اهمیتی است و در صد قابل توجهی از ناتوانیهای انسانها در رسیدن به اهدافشان عدم شناخت صحیح و واقعی از موضوعی است که به آن می پردازند و چون نا آگاهانه عمل می کنند، از هدفی که به دنبال هستند، دور می افتند. امام صادق (ع) در روایتی می فرماید:

کسی که مبتنی بر علم سیر نمی کند و آگاهی و شناخت لازم در موضوعی را کسب نکرده، مانند سائری است که هر چه با سرعت تر گام بردارد، از هدف دورتر می شود.

بنابر این هر شخصی در هر رشته ای که می خواهد عمل کند و از جمله مربی که ماده اصلی کارش، انسان است، نیازمند مطالعه درباره بسیاری چیزها است. نخست محتاج خودشناسی است. مربی که توجه به استعداد های خویش ندارد و اساساً از امکانات خدادادیش بی خبر است، چگونه می خواهد، استعدادهای شاگردان را کشف کرده و با استفاده از ابزارها و عواملی آنها را شکوفا کند؟!

بعلاوه مربی باید مطالعه در روحيات بکند، مسائل اجتماعی را هم بداند، از مسائل سیاسی هم بی خبر نباشد، اعتقادات اسلامی را هم بداند، با نظرات غیر مسلمانان هم آشنا باشد و... اینجاست که مربی می تواند، مربی موفقی باشد و استعدادهای انسانهای محدود در یک مدرسه را

بسیج کرده و رهبری نماید. در غیر این صورت، یا بد تربیت می کند و یا یک بعدی. به این ترتیب بعد از مدتی یا بچه ها از ابتدای برخوردشان با مربی، منحط ترمی شوند یا حداکثر مربی در صورتی که اهل تزکیه نفس باشد و توجه به رذائل و فضایل نفس کند و در پی درمان باشد، اما مثلاً اهل مسائل سیاسی اجتماعی نباشد و از اوضاع زمانه بی خبر باشد و نفهمد چه بر سر مسلمین می آید، سؤالات سیاسی دانش آموزان را بی پاسخ بگذارد و نسبت به آن سرد برخورد کند، اگر هم دانش آموزانی را بسازد، این دانش آموزان تک بعدی خواهند شد. و البته این گونه تربیت بسیاری مواقع ضایعه آفرین است.

نیت مطالعه

پس از آنکه ضرورت مطالعه مبرهن شد، بحث بر سر نیت مطالعه است.

معمولاً افراد در مطالعاتشان هدفهای گوناگونی را جستجو می کنند.

۱ - بعضی از افراد کتاب به دست می گیرند و گاهی به آن نگاه می کنند و احتمالاً اندر هر بابی هم، جزئی اطلاعات دارند، همه آنها برای این است که به جامعه نشان بدهند، سروکار با مطالعه دارند و از اینراه منزلتی بیابند. این گونه افراد، بسیاری مواقع مدرک تحصیلشان هم بالاتر از سطح دیپلم و فوق دیپلم است ولی واقعاً پس از اخذ مدرک مثلاً لیسانس، اگر چند سؤال نه چندان مهم در رشته تحصیلشان از آنها شود، قادر به پاسخگویی نیستند و چه بسا همه آنچه را که خوانده اند، بعد از مدتی فراموش

۲ - دسته دیگری هستند که دنبال تخصص هستند اما هدف، رسیدن به پول و مقام بیشتر است. برایشان هم تفاوت نمی‌کند که این تخصص را در اختیار شماری امام حسین قرار دهند. هر کدام پول بیشتر بدهد، در خدمت اویند. این آدمها فرقی با دسته اول در این است که با آنکه اهل مدرکند اما در موضوعی که کار کرده‌اند، پراکنده مطالعه نکرده‌اند و تا حد زیادی آگاهی دارند.

۳ - عده دیگری تا به مشکلی برمی‌خورند، به دنبال چاره برمی‌آیند و از اهلش پاسخ راجویا می‌شوند و حداکثر به یک منبع مطالعاتی مراجعه می‌کنند و به قدر رفع حاجت، مطالعه‌ای می‌کنند. این گونه مطالعه، به انسان بیانش نمی‌دهد. کم نیستند مربیانی که با این طور مطالعه خود گرفته‌اند، به عنوان مثال تصور کنید مربی را به دبیرستانی فرستاده‌اند، با عده‌ای دانش آموز برمی‌خورد که پوشش صحیحی ندارند، در این صورت چون نمی‌داند باید چه کند یا اساساً به روی خودش هم نمی‌آورد و چشم‌پوشی می‌کند و یا آنکه اگر بخواهد مسئله را تعقیب و اصلاح کند، به کتابی که قبلاً دیده و یا شنیده مراجعه می‌کند و یا از شخصی که مطلع است می‌پرسد، در این صورت به راه حلی دست یافته است اما این راه حل معلوم نیست بتواند مشکل را حل کند. چه بسا مسئله ابعاد مختلف داشتند و او به یک یا دو بعد قضیه توجه کرده است. و لذا پس از عمل کردن به آنچه دریافته، احتمال زیاد می‌رود که مشکل نه تنها حل نگردد، بلکه دو چندان می‌شود. به علاوه اگر به طور

اتفاقی هم مؤثر واقع شود، این گونه مطالعه کردن و علم آموزی، انسان را در مقابله با هجوم مشکلات، ضد ضربه نمی‌کند چرا که عمیق نیست.

۴ - دسته آخرین، دوستدار علمند. اینان به علم تنها به عنوان وسیله نمی‌نگرند بلکه حقیقت و رسیدن به واقع برای این عده، هدف است. برای این افراد مطالعه و تحقیق و کشف مطلبی، بزرگترین لذت روحی است. بزرگان ما از علمای سلف و متأخرین، از این دسته‌اند. این افراد آنقدر احترام برای حقیقت قائلند که در راه حفظ علمشان ذره‌ای جمود به خود راه نمی‌دهند. اینها دنبال علم به معنای واقعی‌اند، لذا اگر خطا کرده باشند، به راحتی می‌پذیرند و به سهولت اعتراف می‌کنند، از نظر این دسته جهل بد است اما بدتر از جهل جمود است. هم چنانکه از نظر مال و ثروت و اقتصاد، از فقربدتر هم هست و آن غرور و اتکاء به دارائی خویش است، یعنی اینکه انسان فکر کند آنچه دارد او را از همه چیز حتی از فعالیت و کار و فکر بی‌نیاز می‌کند. این از فقربدتر است.

جهل بد است از آن جهت که صرفاً نیستی و فقدان علم است. اما چه بسا جاهلها و نادانها و فاقد العملها که با عشق و شور و شوق زائد الوصفی در پی تحصیل علم و دانش می‌روند و آینده‌روشنی در انتظار آنها است. وای بسا عالمی که به آنچه دارد مغرور است و خیال می‌کند آنچه او می‌داند کل دانش است و از اینرو به دانش

خود مغرور می‌گردد و این غرور دنیا جهل و تاریکی بوجود می‌آورد نظر این دسته، عالم واقعی همین نادانی و جهل خود اعتراف دارد. واقعی بدون دلیل چیزی را اند نمی‌کند و بدون دلیل چیزی را نمی‌پذیرد.

عالم اگر جامه و معذور بود نیست عالم اگر بی دلیل چیزی پذیرفت یا بی دلیل چیزی را انکار روح علمی ندارد، او خزانه و انبیا است از یک سلسله فورمولها و اطلاعات، هر چه باو داده شده گرفته و ضبط کرده است اما درر خودش یک روشنائی برای قبول انکار وجود ندارد.

پس جمود که بدتر از جهل است عبارت است از روح ضد تحقیق عبارت است از حالتی که مقدس‌تر روحیه را که روحیه تحقیق کاوشگری است از بشر می‌گیرد، شا بشود گفت همانطوری که جمود جهل زشتتر است، حس تحقیق از خود علم مقدس‌تر است. علم آنگاه مقدس و قابل احترام است که با روح تحقیق توأم باشد و روح تحقیق آنگاه وجود دارد که بشر به نقص علم و اطلاعات خود معترف باشد. ۳

جالب است بدانیم که شیخ انصاری که خاتم الفقهاء المجتهدین لقب گرفته است، هنگامی که پای درس سؤالی می‌شد و ایشان پاسخش را نمی‌دانست، سه بار با صدای بلند می‌گفت: «ندانم، ندانم، ندانم» چنین روحیه‌ای است که شیخ انصاری می‌سازد، علامه طباطبائی بوجود می‌آورد، مطهری‌ها را بارور می‌کند.

گاهی انسان هر کتابی که به دستش رسید، مطالعه می‌کند، امروز نایب روانشناسی را شروع می‌کند، هفته دیگر کتابی سیاسی می‌خواند، هفته بعد کتابی با موضوع دیگر و... بن فرد درکار مطالعه چندان موفق نخواهد بود. حافظه این فرد «مانند یک بار است. انباریکه باید دائماً آن را پر کند و هرچه پیدا کرد در آنجا پرت کند، عیناً مانند انباریک خانه که حیثاً وارد می‌شوی می‌بینی یک تکه حلبی، یک قطعه فلز، یک میز شکسته، یک صندلی شکسته در آنجا افتاده است.»^۴ ولذا درانتقال این معلومات به دیگران هم چندان موفق نخواهند بود. اما دسته‌ای از افراد برای حافظه‌شان احترام قائلند. این آدمها دریافته‌اند که چگونه باید از نیروی حافظه استفاده کرد. و «اولین کاری که انجام می‌دهند عمل انتخاب است. یعنی حافظه خود را مقدس می‌شمارند و حاضر نیستند هرچه شد در آن سرازیر کنند. حساب می‌کنند که دانستن چه چیزهایی برایشان مفید است و چه چیزهایی بی‌فایده. مفیدها را درجه بندی می‌کنند و مفیدترها را انتخاب می‌کنند. سپس آنها را به حافظه خویش می‌سپارند، آن چنانکه امانتی را به امینی می‌سپارند. درخود سپردن دقت می‌کنند، یعنی واقعاً و بطور دقیق و روشن آن را وارد ذهن می‌کنند و سپس تحویل حافظه می‌دهند.

مثلاً کتابی را مطالعه می‌کنند، یکبار می‌خوانند. انسان کتاب را بار اول به قصد لذت می‌خواند. در این صورت نمی‌تواند در مورد مطالب کتاب، حساب و قضاوت کند. دور دوم می‌خواند، حتی قویترین حافظه‌ها

نیازمند است یک کتاب مفید را لااقل دوبار پشت سرهم بخواند. پس از آن مطالب را تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی می‌کند و هر مطلبی را با توجه به اینکه از چه دسته مطالب است به حافظه می‌سپارد، بعد کوشش می‌کند کتاب دیگری را در دستور مطالعه قرار دهد که در موضوع کتاب پیشین است، حتی الامکان تا از موضوعی فارغ نشده است و درحافظه به صورت روشن و منظم نسپرده است وارد موضوع دیگر نشود. اشتباه است اگر انسان یک کتاب را مانند یک سرگرمی مطالعه کند و قبل از آنکه مطالب کتاب درست جذب ذهن شده باشد و ذهن فرصت تجزیه و تحلیل پیدا کرده باشد به کتاب دیگر و موضوع دیگر پردازد. امروز کتب تاریخی، فردا روانشناسی و پس فردا مثلاً کتب مذهبی مطالعه کنند همه مخلوط می‌شوند و حکم انباری بی‌نظم را پیدا می‌کنند.

انسان رشید کتابها و مطالبی را که برای خود لازم می‌دند جمع می‌کند. آنها را مکرراً مطالعه و دسته‌بندی و سپس خلاصه می‌کند. خلاصه را یادداشت و به حافظه خود می‌سپارد و بعد به موضوع دیگر می‌پردازد. چنین فردی اگر حافظه‌اش ضعیف هم باشد از آن حداکثر استفاده را می‌کند و مثل کسی می‌شود که کتابخانه منظمی با قفسه‌های مرتب دارد، کتابخانه‌ای که هر قفسه‌اش به کتاب‌های معینی در رشته خاص مربوط می‌شود بطوری که هر کتابی را که بخواهد فوراً دست می‌گذارد روی آن و آن را می‌یابد اما اگر غیر از این باشد همانند آدمی است که کتابخانه‌ای با هزارها کتاب داشته باشد اما کتابها را روی یکدیگر ریخته است. هر وقت کتابی را بخواهد

دوساعت باید دنبالش بگردد تا پیدا کند.»^۴

مطالعه موضوعی نه تنها باعث هدر رفتن حافظه می‌شود، بلکه حس تحقیق را هم رشد می‌دهد. مثلاً انسان برای شناخت مسئله‌ای کتابی را مطالعه می‌کند، با خواندن کتاب، مسئله از آنچه که تصور می‌کرده، دامنه‌اش وسیع‌تر می‌شود. یک مسئله به چند مسئله تبدیل می‌شود و شاخه‌های متعدد می‌یابد. یکبار اگر ادامه دهد به طرح کلی در یک زمینه خواهد رسید و خود این گشتن و دنبال کردن مسئله لذت زاید الوصفی به محقق می‌دهد. به طوری که اگر برای یکبار لذت آن را بچشد؛ مشکل می‌تواند، دست از آن بردارد. و پس از فارغ شدن از موضوعی، موضوع بعدی در دستورکار قرار می‌گیرد و در برخی موارد حتی انتخاب موضوعات بعدی از شکم موضوعات قبلی زائیده می‌شود.

ما برای آشنا شدن هرچه بیشتر مریبان عزیز با روش تحقیق، طرحی برای کار ارائه داده‌ایم. این طرح، موضوع کلیش تعلیم و تربیت اسلامی است و در دل آن موضوعات متعدد گنجانیده شده است. از آنجا که مریبان محترم در طول تابستان فرصت فراغت مطالعه دارند، در صورت تمایل می‌توانند این طرح را در دستور کار خود قرار داده و به تدریج هربندی از آن را تحقیق کرده و به بند دیگر پردازند. نکته قابل توجه این است که منبع اصلی مادر نوشتن این طرح عمدتاً کتب استاد مطهری بوده است و منابع شما هم می‌تواند در وهله اول کتابهای استاد باشد. البته قبل از شروع مطالعه موضوعات طرح، در صورتی که آشنائیتان با مباحث تعیم و تربیت کم

بوده است، نخست کتاب تعلیم و تربیت اسلامی استاد مطهری را دوباره مطالعه بفرمائید. تا با مسائل عمده ای که در طرح آمده ذهنتان آشنا شود و سپس هر موضوع را که انتخاب می‌کنید در منابعی که معرفی شده، جستجو کنید. مطالب مهم را یادداشت کرده و یادداشتها را پس از اتمام مطالعه درباره یک موضوع، به اختیار خود مرتب کنید. و بعد اگر توانستید، برگه‌های یادداشت شده را مرتبط کرده و به شکل مقاله در بیاورید. این اولین قدم در راه تحقیق است به یاد داشته باشید که مطلبی را فیش کنید که دقیقاً با موضوع تناسب داشته باشد. ما برای آنکه روش کار به شکلی عملی رانسان دهیم، یک نمونه را کنار کرده ایم و قسمت‌هایی را که به شکل فیش تحقیق بوده در خود مقاله | با حروف درشت مشخص کرده ایم. این مقاله البته حداقل کار است و شما انشاءالله پس از مدتی، قادر خواهید بود مقالات تحقیقی قابل توجهی، ارائه دهید. در ضمن تقاضا داریم، اشکالات و نقائص طرح را برای ما با مقالاتی که کار کرده اید ارسال فرمائید تا هم از نظراتان بهره مند شویم و هم مقالاتتان را در مجله به چاپ برسانیم.

منابع:

- ۱ - تعریف از استاد مطهری است به نقل از کتاب جلوه معلمی استاد صفحه ۲۲۸.
- ۲ - مقاله رشد از کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر.
- ۳ - مقاله اول کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر.
- ۴ - مقاله رشد از کتاب امدادهای غیبی در زندگی بشر.

فهرست کلی طرح تعلیم و تربیت اسلامی

۱ - نیاز انسان به تعلیم و تربیت

این بحث را می‌توانید از طریق اختلاف میان انسان و حیوان بررسی کنید.

منابع کلی: انسان و ایمان

- انسان در قرآن

- فطرت

- امدادهای غیبی در زندگی بشر مقاله رشد و رشد اسلامی

- تعلیم و تربیت اسلامی

۲ - امتیاز اسلام از مکاتب دیگر

تعلیم و تربیتی

این موضوع را می‌توانید در دو بند تحقیق کنید:

- شواهدی که نشان می‌دهد در متون اسلامی به تعلیم و تربیت توجه شده است.

- الگوهای که بر مبنای تربیت اسلامی ساخته شده اند.

منابع کلی:

- تعلیم و تربیت اسلامی

- انسان کامل

- انسان در قرآن

- سیره نبوی

- سیری در نهج البلاغه

- جاذبه و دافعه

۳ - تعریف تعلیم و تربیت

نخست باید نظر استاد را درباره تعریف تعلیم و تربیت بدست آورید و سپس تعاریف دیگران را هم جمع کرده و مقایسه ای انجام دهید و سپس نظرات را نقد و بررسی نمائید.

منابع کلی:

- تعلیم و تربیت

- انسان کامل

- اخلاق جنسی

- فلسفه اخلاق

- فطرت

- امدادهای غیبی

۴ - اهداف تربیت

در این بحث نخست باید تحقیق شود که بر مبنای چه چیزی انسان با تربیت شود و انسانی را که مورد نظر مکتب اسلام است، چه انسانی است با چه ایده‌ها و آرمانها.

منابع کلی:

انسان در قرآن

- فلسفه اخلاق

- انسان کامل

- تعلیم و تربیت

- فطرت

۵ - قوای انسان

در این بحث روشن می‌شود که اگر قبول داریم انسان مورد تعلیم و تربیت باید قرار گیرد، چه قوایی را باید مورد تعلیم و تربیت قرار دهد. برای روشن تر شدن، این موضوع را در دو قسمت:

- استعداد های مشترک انسان

و حیوان

- استعداد های مختص انسان

می‌توانید تحقیق کنید.

منابع کلی:

- تعلیم و تربیت

- انسان و ایمان

- انسان در قرآن

- انسان کامل

- فلسفه اخلاق

- فطرت

ملکات و عادات

گر تعریف تربیت را بیابید، بحث
ت در این تعریف جای ویژه ای
لذا این بحث که اهمیت فراوان
ارد، در چند بند می تواند درباره
حقیق کرد:

الف - ملکه چیست؟
ب - ملکات مثبت و منفی
ج - معیار تشخیص ملکات مثبت
د - فرق فطرت و ملکات
ه - آیا ملکات ریشه در درون
ان دارند.

مع کلی:

- تعلیم و تربیت
- فلسفه اخلاق
- فطرت
- جاودانگی و اخلاق از کتاب
دنامه استاد مطهری

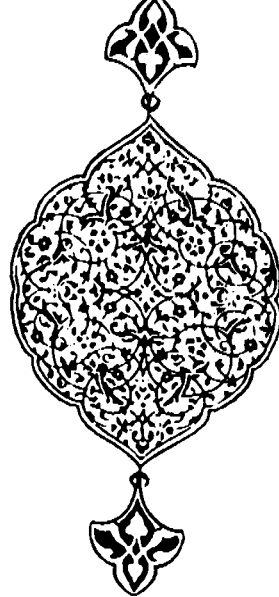
ابعاد تربیت

الف - بعد عقلانی
در این قسمت چند بحث
می بایست تحقیق شود:

- تعریف و اهمیت عقل در اسلام
- رابطه عقل و تعلیم
- موانع رشد عقل
- عامل تربیت حس تعقل

منابع کلی:

- انسان در قرآن
- انسان کامل
- تعلیم و تربیت
- فلسفه اخلاق
- عدل الهی
- ده گفتار
- بیست گفتار
- اسلام و مقتضیات زمان
- حق و باطل



- پاورقی های اصول فلسفه
- فطرت

۸ - بعد گرایش به حقیقت جوئی

در این قسمت نخست حقیقت
جوئی معنی می شود و بعد موانع به
فعلیت رسیدن این بعد می بایست
تحقیق شود.

منابع کلی:

- فطرت
- انسان در قرآن
- تعلیم و تربیت
- فلسفه اخلاق
- امدادهای غیبی در زندگی بشر
- پیرامون انقلاب اسلامی
- جهاد
- نظام حقوق زن در اسلام

۹ - بعد اراده

نخست تعریفی از اراده و فرقی با
واژه های مشابه داده شود و سپس رابطه
عقل یا با آن مشخص گردد و در آخر
عوامل پرورش اراده تحقیق شود.

منابع کلی:

- تعلیم و تربیت

- انسان در قرآن
- انسان و ایمان
- جاودانگی و اخلاق

۱۰ - بعد عشق و پرستش

در این بحث حس پرستش را باید
معنی کرد و سپس به عامل پرورش این
حس پرداخت.

منابع کلی:

- تعلیم و تربیت
- فطرت
- انسان در قرآن
- بیست گفتار
- فلسفه اخلاق
- انسان کامل
- اخلاق جنسی
- جاذبه و دافعه

۱۱ - بعد اخلاقی

در این بحث نقش اخلاق
در زندگی انسان و تعریف حس
اخلاقی و عامل پرورش این حس در
انسان تحقیق می شود.

منابع کلی:

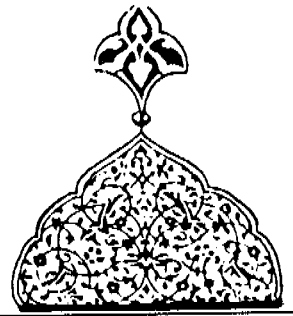
- فلسفه اخلاق
- تعلیم و تربیت
- انسان در قرآن
- انسان کامل
- فطرت
- اسلام و مقتضیات زمان

۱۲ - بعد زیبایی و هنر

نخست تعریف زیبایی باید تحقیق
شود و سپس عامل پرورش این حس در
انسان مورد بررسی قرار می گیرد.

تعلیم و تربیت

- انسان کامل
- فلسفه اخلاق
- امدادهای غیبی در زندگی
باشد.



تحقیق تابستانی



بقیه از صفحه ۸۷

۱۳ - بعد ابتکار و خلاقیت

منابع کلی:

— فطرت

— تعلیم و تربیت

— جامعه و تاریخ

۱۴ - شرایط تربیت صحیح

در این بحث باید شرایطی که منجر به تربیت صحیح می شود، تحقیق گردد. این شرایط در واقع معنی دیگری برای تربیت صحیح است.

منابع کلی:

— اخلاق جنسی

— امدادهای غیبی

— تعلیم و تربیت

— انسان کامل

— جاذبه و دافعه

— گفتارهای معنوی

۱۵ - طرق رسیدن به تربیت صحیح

در این قسمت به فرق هدایت و رهبری اشاره می شود و در تحقیق معلوم می گردد که فرد علاوه بر آنکه از راه خودسازی و کار اخلاقی روی خود، استعدادهايش را شکوفا می کند، از طریق راهبری رهبر و سازماندهی و بسیج، استعدادهايش بارور می شود.

منابع کلی:

— امدادهای غیبی در زندگی

— بشود.

— وحی و نبوت

— امامت و رهبری

۱۶ - اصلی ترین و سهل ترین راه برای

پرورش استعدادها

در این بحث مباحثی مانند عزت نفس، شرافت نفس، کرامت نفس باید تحقیق شود.

منابع کلی:

— فلسفه اخلاق

— تعلیم و تربیت

— گفتارهای معنوی

— انسان کامل

— حق و باطل

— سیری در نهج البلاغه

در پایان یک نمونه کار عملی را خدمتتان ارائه کرده ایم، این کار قبلاً بصورت مقاله ای در مجله رشد به چاپ رسیده است و ما عیناً آنرا در اینجا می آوریم.

«زمانی یک نفر خارجی به دهی رفته بود، در آنجا با یک روستائی روبرو می شود و سئوالی از او می کند جوابهای نغز و پخته ای می شنود، خارجی از او می پرسد که این معلومات را از کجا آورده ای؟ روستائی پاسخ می دهد که ما چون سواد نداریم، فکر می کنیم.»

داستان بالا اگر چه بدون ایراد نیست اما گویای حقیقتی است یعنی فکر کردن ارزش بیشتری از سواد داشتن دارد. چرا که بدون اغراق می توان گفت درصد زیادی از مشکلات زندگی هر فرد ناشی از بها ندادن به تفکر است لذا در اسلام تأکید فراوان بر فکر کردن و بخصوص درست اندیشیدن شده است و در شمار عبادتهای بسیار با اهمیت تلقی گردیده است، پس جا دارد فکر کردن معنی گردد و روش صحیح آن بدست داده شود.

«فکر کردن» تلاشی است برای حل مجهولات، چه این مجهولات، ذهنی باشد و یا عینی و عملی.

زندگی انسان مملو از مشکلات است و اگر حل نشوند برای انسان گرفتاریهای گوناگون درست می کنند. بسیاری از این مشکلات چه شخصی باشند و چه مربوط به اجتماع با فکر کردن و درست اندیشیدن قابل حلند.

«البته تفکر نیاز به مواد خام دارد، همانطور که نور برای روشن شدن، نیاز به مواد قابل اشتعال دارد؛ این مواد برای فکر کردن، همان معلومات انسان را تشکیل می دهند.» (نقل به مفهوم از کتاب تعلیم و تربیت) بنابراین در زمینه ای که مشکل داریم برای حلش نیاز به مقداری معلومات در همان زمینه هست. البته این معلومات با استفاده از تجارب دیگران و مشورت با اهل فن تکمیل می گردد.

نکته ای که در این میان بسیار حائز اهمیت است، تصور غلطی است که درباره تفکر وجود دارد، «بعضی ها تصور می کنند هر چه معلومات انسان افزایش یابد، لزوماً رشد فکری هم حاصل می شود و حال آنکه چنین رابطه ای میان

ازا بودن محفوظات زیاد و تفکر برقرار نیست. به عبارت دیگر، چنین نیست که فکره عالم تراست متفکرتتر هم باشد زیرا که ممکن است کسی معلوماتی را بطوطی وار حفظ کرده باشد و حتی یک ساعت هم بر روی معلومات خویش، اندیشه نکرده باشد». (نقل به مفهوم از کتاب تعلیم و تربیت).

«فکر انسان شباهتی تام به معده او دارد. معده غذا را از خارج می‌گیرد و به کمک ترشحات درونی، آنرا می‌پرواند و آماده جذب در روده می‌نماید و لذا برای پروردن غذا، معده باید آنقدر جای خالی داشته باشد که به آسانی بتواند غذا را زیرورو کند و اسیدها و شیره‌های لازم را ترشح نماید، معده‌ای که به آن پی‌درپی غذا تحمیل می‌شود فراغت و فرصت و امکان حرکت برای درست عمل کردن را از دست می‌دهد، و در نتیجه فعالیت‌های گوارشی دچار اختلال می‌گردد و بر اثر آن عمل جذب در روده‌ها درست انجام نمی‌گیرد. مغز انسان هم قطعاً چنین است. از اینرو بایستی به اندیشه مجال داد و او را ترغیب به تفکر کرد.» (از کتاب تعلیم و تربیت)

اما انسان در چه مسائلی باید فکر کند؟ آیا به هر چه که مجهول است، ذهن خود را منعطف نماید، و در این صورت، آیا از مسائل اساسی در زندگی باز نمی‌ماند؟ آیا اساساً فرصت فکر کردن در همه زمینه‌ها وجود دارد؟ به طور حتم، مسائلی که جز اتلاف وقت، ثمری عاید انسان نمی‌کند، نباید مورد فکر کردن قرار گیرند و به عکس مسائلی که به سرنوشت انسان و معنی دادن به زندگی مربوط است، باید از اولین موضوعات مورد تفکر واقع شوند. علی (ع) این موارد را در جمله‌ای نغزو پرمحتوا با بیانی بسیار شیوا مطرح

می‌فرمایند.

«خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجاست و در کجاست و به سوی کجا رهسپار می‌شود» این سه موضوع از اساسی‌ترین موضوعات تفکر بشر است که اگر حل شوند و نه فقط حل ذهنی بلکه به صورت یک ایمان و باور درآیند، زندگی انسان هدفدار می‌شود و امید، نشاط، تحرک ثمره چنین هدفی در زندگی است و چنانچه حل نشوند و یا به طور ناصحیح حل گردند، آینده انسان در معرض خطر و پوچی و انهدام قرار می‌گیرد. پس باید انسان درباره خودش و آینده‌اش و اهدافش خوب فکر کند.

تفکر به انسان شخصیت می‌دهد و نمی‌گذارد همانند خس و خاشاکی که در سیلی افتاده جبراً به هر طرف که سیل می‌رود، او هم برود؛ بلکه به انسان قدرت می‌بخشد تا حتی در برابر فشار جامعه نیز انتخاب کند. از این نظر، «انسان برای آنکه صد درصد تسلیم اوضاع و احوالی که او را احاطه کرده است، نباشد، شرط اساسی تفکر است. و برای رسیدن به این شرط اساسی، تفکر باید به صورت امری عادی برای انسان درآید.» (بیست گفتار بحث تفکر) و باصطلاح جزء شخصیت و خصلت‌های انسانی قرار گیرد. چنین امری هم تحقیق نخواهد یافت مگر با پیدا شدن چند عامل که از پراهمیت‌ترین آنها دو عامل است:

— نخست باید از عجله در تصمیم پرهیز کرد. شخصی نزد رسول خدا (ص) آمده و عرض کرد پندی بمن دهید. حضرت فرمود: آیا اگر ترا نصیحتی کنم، عمل خواهی کرد؟ آنمرد در جواب گفت: بلی. این سؤال و جواب بین رسول اکرم (ص) و

آنمرد تا سه بار تکرار شد و در هر مرتبه شخص جواب می‌داد که حاضریم به آنچه می‌فرمائید عمل کنیم. پس از تعهد مؤکدی که رسول اکرم (ص) از آن مرد گرفت، به او فرمود: «هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اول تدبر و تفکر کن و عاقبت آن را ببین» اگر رشد و هدایت است، آن را تعقیب کن و اگر شر و ضلالت است از آن دوری نما.

از طرز تعهد گرفتن رسول اکرم (ص) از آنمرد مشخص می‌شود که ایشان برای این توصیه، فوق العاده اهمیت قائل بوده‌اند. این دستور پیامبر به ما می‌گوید، همیشه در کارها منطق را دخالت بده و جلوطغیان و حکومت احساسات را بگیر. اهل منطق باش نه احساسات زیرا که نزدیک شدن به حکومت منطق و خارج شدن از حکومت احساسات دلیل بر پختگی و تکامل روح است. انسان در طفولیت و کودکی یک پارچه احساسات بی‌منطق است و به همین جهت از اداره کردن خود و از حفظ مصالح خود عاجز است و لذا زود می‌توان طفلی را در جریانی وارد کرد و احساساتش را استخدام کرد و به نفع خود در مجرائی به کار انداخت البته شکی وجود ندارد که تنها مرور زمان انسان را اهل تفکر نمی‌کند بلکه نیاز به تمرین و ممارست فراوان است.» (بیست گفتار بحث تفکر)

— عامل دوم داشتن برنامه‌ای برای تفکر است. «آدمی باید در شبانه روز برای خود وقتی قرار دهد که در آن وقت خودش را از همه چیز قطع کند و در تنهایی و بدور از هیاهو، باصطلاح خود را روانکاوی کند. و درباره خودش و کارهایی که در آینده قصد انجامش را

دارد کارهای گذشته‌ای را که انجام داده، رفقائی را که با آنها معاشرت دارد، کتابهائی را که مطالعه کرده و به طور کلی همهٔ مسائلی را که با آن درگیری داشته و الان دارد یا درآینده خواهد داشت را فکر کند.

به عنوان نمونه اگر کتابی مطالعه کرده فکر کند که چه نکته تازه‌ای از خواندن کتاب فرا گرفته؟ مطالعهٔ کتاب چه تأثیری در او داشته؟ آیا این اثر خوب بوده یا بد بوده؟

چنین محاسبه‌ای حداقل تأثیرش این است که در مطالعهٔ کتاب دیگر، اشتباهات گذشته تکرار نمی‌گردد.

چنین محاسبه‌ای از خود، بهتر است، بر روی کاغذی نوشته شود و بعد با روزهای قبل مقایسه گردد تا رشد یا عدم رشد در زندگی بدست آید» (کتاب تعلیم و تربیت)

بطور مسلم اگر تفکر ذره ذره شروع شود و شما حداقل هر روز یک ربع از وقتتان را اختصاص به چنین محاسبه‌ای دهید، خواهید دید که بعد از مدتی، کنترل نسبتاً خوبی بر افکار، امیال و اعمالتان خواهید داشت. ●

ملاحظه می‌کنید که بیشتر مطالب این مقاله از دو منبع استفاده شده اما در عین حال چون از ابتدا نویسنده می‌دانست به دنبال چه بگردد و با پیوندی که میان فیش‌ها برقرار کرده توانسته مقاله مناسبی برای جوانان بنویسد.

طرح بازنگری به شیوهٔ انتخاب مبصر کلاس

بقیه از صفحهٔ ۱۴۱

بسمه تعالی

طرح بازنگری شیوه انتخاب مبصر کلاس را مطالعه نمودم. توضیحات داده شده مبنی اشکالات موجود در نحوهٔ چگونگی انتخاب مبصر بسیار جالب بوده و همانطوریکه اظهار داشته‌اید اینگونه انتخابها عواقب جنبی دیگری نیز بدنبال دارد بهر حال این قبیل طرحها و پیشنهادات قدم مؤثری است در جهت گسترش تربیت و توجه دادن به مسئولین برای انجام وظیفه بهتر و دقت در عمل که انشاءالله خداوند بشما خیر عطا فرماید که بتوانید در این زمینه گامهای بلندتری را بردارید. و اما شیوه انتخاب مبصر بمدت یک هفته و یا بمدت یکماه می‌تواند در دادن مسئولیت براکثر دانش آموزان مفید باشد احتمالاً اگر چنانچه کسی هم بخواهد از موقعیت خویش سوءاستفاده کند مدت وی محدود است...

در پایان از جدیتی که در این زمینه مصروف داشته اید سپاسگزاریم. والسلام

بسمه تعالی

... کلاً انتقادات مربوط به انتخاب مبصر در گذشته و یا در بعضی مدارس هم اکنون نیز اجرا میشود کاملاً صحیح و بجاست چرا که همهٔ خواهران متفق‌الرأی بودند که این روشهای ناپسند اثرات نابخجای بر دانش آموزان بجای میگذارد.

با توجه به اینکه ذهن دانش آموز در انقلاب روشنتر و آگاه‌تر از پیش است اگر باز این روشهای نابخجای دنا شوند در منزوی کردن این نونها بی اثر نیست.

همچنین نوباوگان انقلاب علاوه آموزش دروس مختلف باید از ه اکنون مسئولیت پذیر باشند و خود برای ورود در جامعه اسلامی مه کنند بنابراین؛ این مدرسه است باید مسئولیت را به آنها بشناساند و احس را بارور سازد باید با واگذار کارهای مختلف مانند نمایندگی کلاس و شرکت دادن آنها در کارها پرورشی و غیره، مسئولیت را به آن شناساند...

من الله التوفیق

برادر خجازی رئیس مدرسه راهنمایی رف شهر کرد.

بسمه تعالی

... نظر به اینکه ما مسلمانیم تلاشمان برای رضای خداست سعی شود از همان کودکی حتی برای انتخاب نماینده کلاس آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ» دستور کار باشد و دانش آموزی که دارای اخلاق اسلامی و رفتار حسنه است انتخاب شود و بگونه‌ای برخورد شود که ملاکهای برتری در جمهوری اسلامی برای همه مشخص شود.

البته در برخورد با بقیه دانش آموزان نیز باید تلاش کافی صورت گیرد که باعث ایجاد عقده‌های روانی نگردد...

من الله التوفیق